

**عنوان :**

**آموزش راهبردی در مدیریت اراضی نظام خرده دهقانی**

**نویسندگان:**

مهندس مریم روستایی

دکتر حشمت اله سعدی

## چکیده :

نظام بهره‌برداری کشاورزی به عنوان یکی از بخش‌های اصلی فعالیت کشاورزی محسوب می‌شود، زیرا در عین حال که واقعیتی اقتصادی است، واقعیتی اجتماعی نیز می‌باشد و غالباً چهارچوب زندگی یک خانواده روستایی را تشکیل می‌دهد. در حال حاضر نظام‌های بهره‌برداری را به شیوه‌های مختلف تقسیم بندی می‌نمایند. آنچه مسلم است نظام بهره‌برداری دهقانی یکی از نظام‌های غالب در کشاورزی ایران است که همواره با مشکلات و چالش‌های متعددی روبرو بوده است. در مطالعه حاضر که به شیوه کتابخانه‌ای تهیه شده است، با بهره‌گیری از رویکردها و نظریه‌های مطرح در این زمینه و نتایج پژوهش‌های انجام شده، نقش و جایگاه آموزش در مدیریت نظام بهره‌برداری خرده‌دهقانی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد، برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زراعی نظام‌های بهره‌برداری، در حال حاضر سه راهکار یکپارچه سازی اراضی، توانمند سازی روستائیان با ابزار آموزش و توسعه مشاغل غیر کشاورزی در مقایسه با سایر راهکارهای اهمیت بیشتری دارند. همچنین نتایج نشان داد برای اثربخش بودن آموزش، ضرورتاً آموزش‌ها باید در سه حیطه دانشی، بینشی و مهارتی صورت پذیرد. علاوه بر این فرایند آموزش باید از الگوهای علمی و بر اساس نیازسنجی اجراء گردد. در پایان مقاله با توجه به یافته‌های تحقیق توصیه‌هایی ارائه شده است.

واژگان کلیدی : نظام بهره‌برداری، آموزش اثربخش – مدیریت اراضی – نظام خرده‌دهقانی

## مقدمه :

بخش کشاورزی هر جامعه ای بر نظام بهره برداری تشکیل دهنده آن استوار است. نظام های بهره برداری مانند هر جزء دیگری از نظام اجتماعی تابعی از تغییر و تحولات کل آن نظام اند. چون روند توسعه خود نیز تابعی از عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داخلی و خارجی است، تغییرات در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه ای به طور مستقیم بر ساختار و کارکرد نظام های بهره برداری کشاورزی اثر خواهد گذاشت. در جریان تغییر یابنده امروز، متحول شدن نظام های بهره برداری کشاورزی به عنوان بخشی از این فرآیند کلی و عام امری اجتناب ناپذیر و عادی است ( عبدالهی، ۱۳۷۷).

نظام های بهره برداری، از دیرباز نقش مهم و به سزایی در توسعه کشاورزی کشور داشته و همواره یکی از مسائلی بنیادی کشاورزی ایران، در به کارگیری منابع آب و خاک آن به شمار آمده است (دانشور کاخکی و همکاران، ۱۳۷۹). می توان گفت از جمله مشکلات عمده کشاورزی ایران نظام بهره برداری از اراضی است (ظفر نژاده، ۱۳۶۷). نظام بهره برداری می تواند روابط و مناسبات کشاورزان و همچنین شیوه و چگونگی اعمال مدیریت در ارتباط با به کارگیری منابع دیگر مانند نیروی کار و سرمایه که به صورت تولید بخش خصوصی یا خانوادگی، گروهی، تولید جمعی، تولید دولتی، انجام می پذیرد، مشخص کند. ( افسر پناه، ۱۳۷۸).

با وجود وسعت نظریه پردازی در خصوص نظام های بهره برداری تاکنون تعریف و طبقه بندی جامع و مانعی از نظام های بهره برداری کشاورزی موجود در ایران ارائه نشده است. می توان گفت نظام بهره برداری، مجموعه رویه های حقوقی و عرفی فنی و مدیریتی در استفاده و تلفیق از عوامل تولید ( کار، زمین، آب، سرمایه، ابزار و غیره ) در غالب سازمان کار و مناسبات اجتماعی جهت تولید محصولات زراعی و عرضه آن به بازار است (ازکیا، ۱۳۸۲). نظام های بهره برداری به عنوان بخشی از اقتصاد مرتبط و وابسته به نظام مسلط در جامعه، مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرند (ایروانی، ۱۳۷۹). نظام بهره برداری حتی دارای بعد سیاسی است. ( قریب، ۱۳۸۱). نظام های بهره برداری مانند هر جزء دیگری از نظام اجتماعی، تابعی از تغییر و تحولات کلی نظام اجتماعی می باشد به عبارت دیگر پیدایش، استحکام و اضحلال نظام بهره برداری کشاورزی در چارچوب کلی روند توسعه هر جامعه ای رخ می دهد (ثمری و ازکیا، ۱۳۷۹).

در مجموع نظام بهره برداری را می توان به سه قسم اصلی نظام های بهره برداری تعاونی (تعاونی های سنتی، مشاعها یا شرکتهای غیررسمی، تعاونی های مشاع و شرکت های تعاونی تولید روستایی)، نظام بهره برداری تجاری (شامل واحدهای شخصی، شرکت های غیررسمی، شرکت های سهامی زراعی، شرکت های کشت و صنعت) و نظام بهره برداری دهقانی تقسیم نمود (جوادیان و همکاران، ۱۳۸۲). بر طبق آمارها ۹۱٪ بهره برداری دهقانی در ایران از ۲ تا ۵ هکتاری مالک زمین مزروعی دارند که در اصطلاح آماری به آنان بهره برداری ملکی می گویند (خسروی، ۱۳۷۴). برخی نیز سه نوع نظام بهره برداری کمتر از ۱۰ هکتار. از ۱۰ تا کمتر از ۵۰ هکتار و ۳۰-۵۰ هکتار و بیشتر اشاره می کند (اشرف، ۱۳۶۱).

نظام بهره برداری دهقانی یکی از نظام های بهره برداری سنتی موسوم به نظام بهره برداری خرد و دهقانی است و در دهه های اخیر همواره نظام غالب کشاورزی در ایران بوده است. این نظام بیش از ۸۰٪، کل واحدهای بهره برداری ایران را تشکیل می داد. پژوهش های متعددی در خصوص نظام خرده مالکی به ویژه بخش پراکندگی اراضی در ایران شده است. بدیهی است اثرپذیری این روش ها به دریافت دیدگاهی مشترک در این خصوص ارتباط دارد. این دیدگاه تاکنون شکل نگرفته است ( حقوقی، ۱۳۸۲). برخی از مطالعات در خصوص نظام بهره برداری دهقانی آبشخور

فکری خود را از نظریه خرده فرهنگ دهقانی گرفته اند و این نظام را به دلیل تقدیرگرایی بودن عامل انسانی آن غیر قابل تغییر قلمداد نموده اند ( ازکیا، ۱۳۸۵). برخی معتقدند دهقان ایرانی رفتاری عقلایی دارد و می توان نظام بهره برداری دهقانی را به نحو مطلوب هدایت نمود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳).

هوگلد (۱۹۸۲) معتقد است باید خط مشی مشخصی برای زمین های مصادره ای وجود داشته باشد تا از طریق آن از خرد شدن و غیر اقتصادی شدن زمین ها جلوگیری نمود و در ضمن اعتماد آن دسته از روستائیان که این زمین ها را مصادره کرده اند جلب نمود. گسترگی نظام خرده مالکی در ایران از یک طرف، نقش این نظام در حفاظت از منابع پایه، فرهنگ و سنت های جامعه ایران از طرف دیگر نیاز به بررسی عمیق آن را اجتناب ناپذیر می کند. در واقع مطالعه حاضر نیز با این هدف انجام شده است. این مطالعه سه هدف دارد:

- ۱- بررسی تنگناها و مشکلات نظام بهره برداری خرده دهقانی.
- ۲- بررسی راهکارهای اساسی برای مدیریت نظام بهره برداری دهقانی.
- ۳- مکانیزم به کارگیری آموزش به عنوان یک راهکار برای حل مشکل و چالش های نظام بهره برداری خرده دهقانی.

## روش تحقیق:

این تحقیق به روش اسنادی و کتابخانه ای انجام شده است. ابتدا کتاب ها و مقالات مرتبط با سوا لات تحقیق جستجو و گرد آوری شدند و سپس با روش تحلیل محتوی مطالب مورد واکاری قرار گرفتند و نتایج حاصله تدوین شد. تحقیقات اسنادی یا کتابخانه ای شامل بررسی مجدد مواد موجود است که در آن منابع گسترده ای از یافته های تولید شده در زمینه های گوناگون به کار برده می شود تا سؤالات، فرضیه ها و علائق رایج پاسخ داده شود. یک مزیت برجسته تحقیقات اسنادی این است که چون اغلب داده ها و اطلاعات مورد استفاده، برای هدف دیگری غیر از هدف تحقیق در حال اجرا، جمع آوری شده است بنابراین امکان سوگیری در فرآیند جمع آوری داده ها و اطلاعات وجود ندارد (عزیزی خالخیلی و زمانی به نقل از : Jones, 1965).

## یافته ها و بحث :

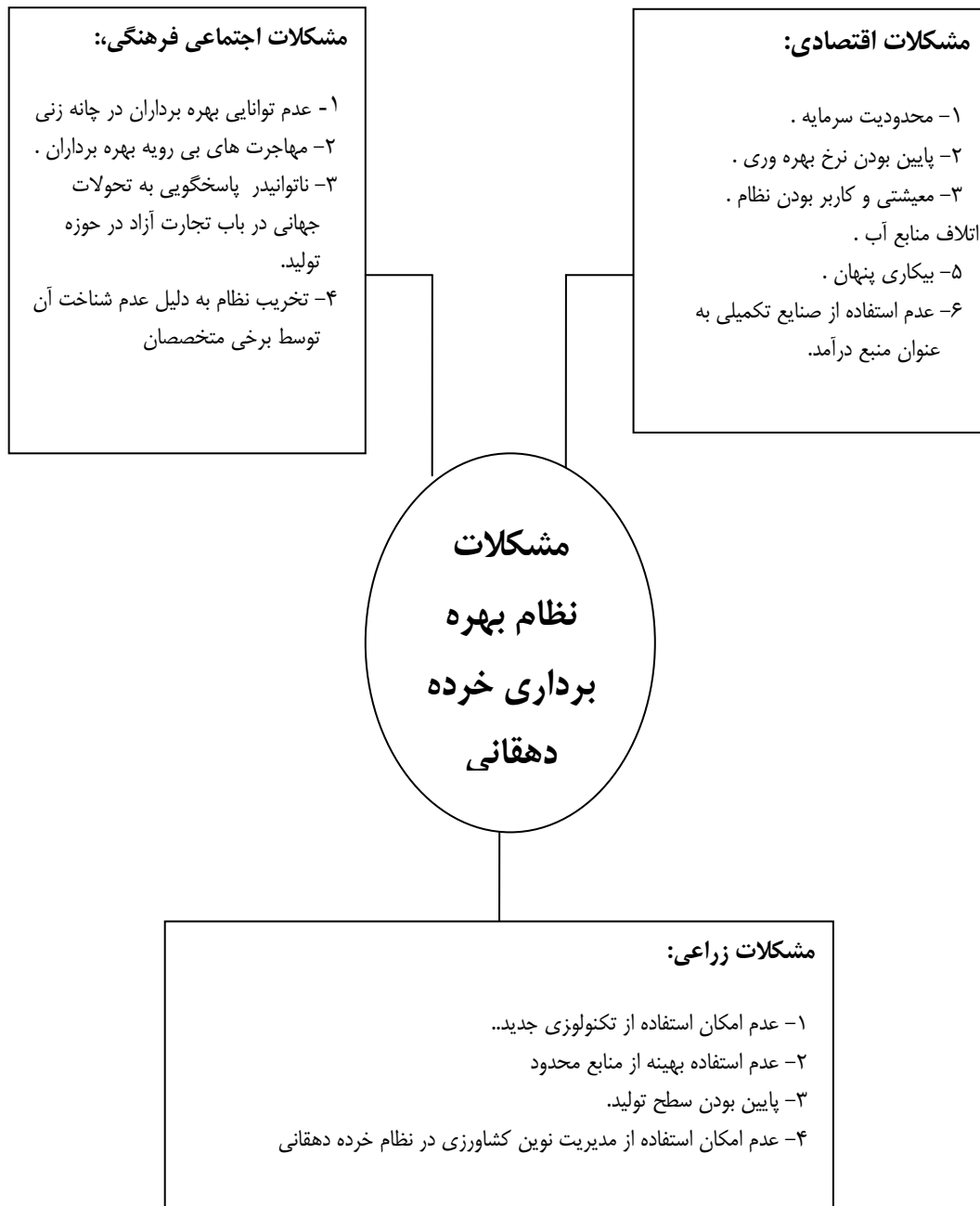
هدف اول: بررسی تنگناها و مشکلات نظام بهره برداری خرده دهقانی:

کثرت تعداد واحدهای بهره برداری دهقانی معرف خردی و پراکندگی اراضی کشاورزی موجود در ایران است (شریف پور، ۱۳۷۲). مطالعات مختلف حاکی است کوچک بودن قطعات اراضی، پراکندگی اراضی، پائین بودن میزان درآمد و سطح زندگی دهقانان از عمده ترین مسائل آنان بوده است (عبداللهی، ۱۳۷۷، اشرفی و همکاران، ۱۳۸۶). یگانه (۱۹۸۵) به عقب ماندگی تکنولوژیکی و نبود سرمایه و پائین بودن کارایی نظام بهره برداری دهقانی تاکید دارد. در کنار این مسائل پراکنده بودن اراضی در کنار کوچکی اراضی از ویژگی بارز نظام بهره برداری دهقانی است. پراکندگی ضرورتا به صورت فیزیکی نیست بلکه ممکن است قطعات به همین نزدیک اما امکان کاشت یکپارچه و هماهنگ نباشد (sabates & wheeler, 2002). ضمن این که اساسا یک دلیل مشخص برای این فرایند وجود ندارد و فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی و کاربری می تواند باعث قطعه قطعه شدن اراضی کشاورزی باشد. (حیدرپور، ۱۳۸۵).

ازکیا (۱۳۵۵) و خسروی (۱۳۵۸) مهمترین ویژگی های این نظام را به شرح ذیل می دانند.

- رئیس خانواده به کمک افراد خود یا چند کارگر روی زمین کار می‌کنند.
- ضعف دانش و مدیریت حاکم بر مزرعه .
- محدود بودن اندازه زمین.
- ضعف و پایین بودن حجم بازده خاک.
- سطح اشتغال پایین و بیکاری پنهان.
- متکی بودن به کار زنان و کودکان و سالخوردگان.
- اندک بودن سرمایه مالی و عدم توان سرمایه گذاری بیشتر.
- حاکمیت اقتصاد معیشتی و دهقان کمتر در فکر صدور محصول به بازار است .

به هر حال آن گونه که لمبتون ( ۱۳۷۷) می گوید عایدات نظام بهره برداری دهقانی کفاف معیشت خانوار را نمی‌کند. شرایط حاکم بر کشاورزی ایران از یک طرف و دخالت سازمان ها و نهادهای مختلف در مدیریت اراضی کشور از طرف دیگر باعث شده است عملاً نتوان آینده روشنی برای نظام بهره برداری دهقانی تصور نمود. (تقی فرور و و اسیف احمد، ۱۹۸۶). با توجه به مطالعات انجام شده، می توان مشکلات نظام بهره- برداری دهقانی را به چهار دسته اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زراعی تقسیم نمود(مدل ۱):



مدل (۱)، مشکلات نظام بهره برداری دهقانی

**هدف دوم: بررسی راهکارهای اساسی برای مدیریت نظام بهره برداری دهقانی**

**مدیریت اراضی**

بدون شک هر گونه تحول در نظام غالب بهره برداری در ایران با موضوع یکپارچه سازی اراضی کشاورزی گره خورده است. منظور از یکپارچگی اراضی انتقال مالکیت زمین‌های پراکنده یک مالک در نقاط مختلف به نقطه معینی است که مساحت آن برابر مجموع زمین‌های پراکنده باشد، (oldenburg, 1990). فائو یکپارچه سازی اراضی را فرآیند شکل دهی مزارع انفرادی که اندازه بهینه، ساختار و جهت مناسب برای بهره برداری کشاورزی ندارند، تعریف می کند (king and burton, 1982). در بیانیه مونیخ، یکپارچه سازی اراضی بازاری برای توسعه روستایی در کشورهای اروپایی شرقی و مرکزی توصیف شده است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴).

قاسمیان، یکپارچه سازی اراضی را به هم ریختن قطعه‌بندی سنتی و نامنظم موجود و انجام قطعه بندی جدید همراه با کاهش تعداد قطعات بهره‌برداران در یک آرایش هندسی منظم و تعیین محدوده‌های جدید مالکیت می داند (قاسمیان، ۱۳۸۲). فولادی یکپارچه سازی را به معنای مجموعه‌ای از عملیات می‌داند که کلیه کارهای ضروری جهت نظم دادن به اراضی زراعی و بهبود کیفیت خاک، جابه‌جایی اراضی، از بین بردن کانال‌ها و جاده‌های قدیمی و یا احداث کانال‌ها و جاده‌های جدید، زهکشی و تقریباً تمام عملیات ساختمان را شامل می‌گردد (فولادی، ۱۳۷۱). سینگ و دیلون یکپارچه‌سازی اراضی را عبارت از تلفیق و توزیع مجدد زمین به گونه‌ای می‌دانند که تعداد قطعات در آن کاهش یابد (سینگ و دیلون، ۱۳۷۴). بدین ترتیب می‌توان گفت یکپارچه‌سازی فرآیندی است که با تغییر در ساخت فضایی اراضی کشاورزی از طریق اصلاح و تحول در مدیریت مزرعه، ضمن حرکت بخشی به اقتصاد روستا، تحول در ساختار فضایی نواحی روستایی، توسعه روستایی و کشاورزی را تسهیل میکند (حیدر پور، ۱۳۸۵). کاهش هزینه طرح‌های زراعی، افزایش مساحت مفید مزرعه، افزایش بازدهی نیروی کار، استفاده از فنون صحیح زراعی و در نتیجه افزایش تولیدات کشاورزی در آمد واحدهای زراعی، صرفه جویی در استفاده از ادوات و ماشین آلات کشاورزی، جلوگیری از اختلافات احتمالی و افزایش امنیت اجتماعی روستائیان از مهمترین نتایج یکپارچه سازی است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸، Ninala & thapa, 2005). همچنین بهبود آبیاری و شرایط زهکشی، (علی بیگی و همکاران به نقل از نجفی، ۱۳۸۷) و کاهش فرسایش بادی (sklenicka, 2006) و صرفه جویی در مصرف آب، ایجاد تغییرات کالبدی در مرفولوژی روستاها نیز از پیامدهای یکپارچه سازی گزارش شده است. (وثوقی و فرجی، ۱۳۸۵). البته تحقق یکپارچه سازی نیازمند برنامه مدونی است و باید ملزومات اداری، فنی و اجرایی آن فراهم باشد. (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴). در رابطه با مدیریت زمین می‌توان راهکارهای دیگری از جمله استراتژی توسعه فعالیت‌های غیرزراعی و جانبی و آموزش آنان را در بین بهره برداران به کار برد.

تفکر اقتصاد غیر زراعی روستایی<sup>۱</sup> (RNFE) بر این اصل استوار است که اساساً اقتصاد روستایی بسیار گسترده تر از اقتصاد کشاورزی است. در واقع اقتصاد غیرزراعی روستایی، شامل کلیه فعالیت‌های غیر کشاورزی، مانند همه خدمات عمومی در نواحی روستایی، و خصوصی غیر کشاورزی در نواحی روستایی است که ممکن است شامل شرکت‌های کوچک، کسب و کارهای کوچک، گروه‌های تولید کننده و سایر گروه‌های برگرفته از اجتماع باشد. نقش اقتصاد غیردری روستایی به قدری مهم است که می‌توان اذعان داشت بالغ بر یک سوم اقتصاد نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه از این بخش تامین می‌شود (Word bank, 2007). در بسیاری از کشورها (به‌خصوص کشورهای آسیایی) صرفاً زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و بهره‌ور ایجاد نماید (ظرفیت زمین نیز محدود است) بدین جهت باید به ایجاد اشتغال سودآور غیرزراعی نیز پرداخت تا تفاوت درآمد شهرنشینان و روستانشینان افزایش نیافته و مهاجرت روستاییان به شهر کاهش یابد.

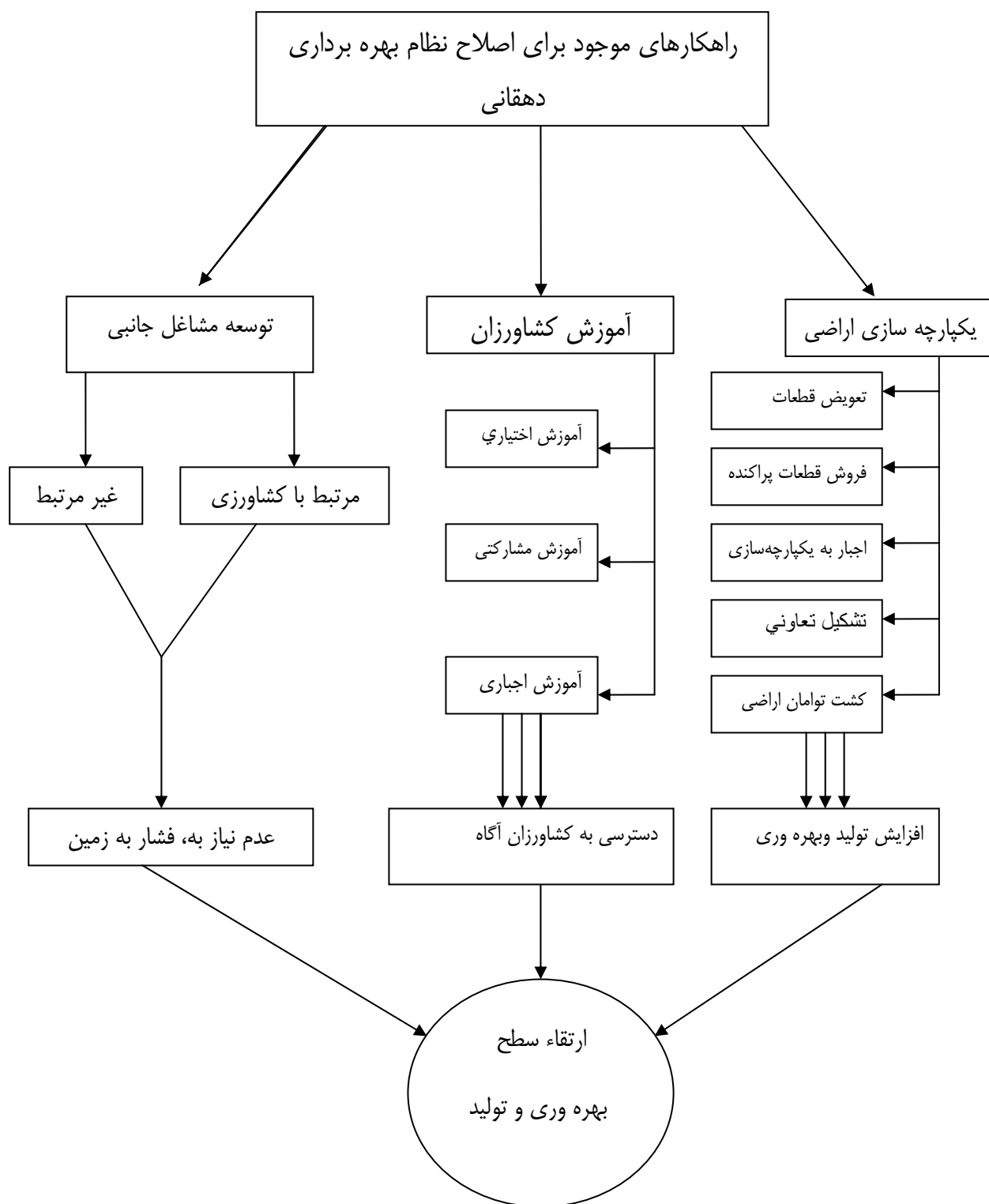
<sup>۱</sup> - Rural Non Farm Economy

توریسم روستایی نمونه و مثالی دیگر از پتانسیل فعالیت های کشاورزی غیر زراعی و چگونگی افزایش منافع برای افراد فقیر است. بهر حال ابتکارات توریسم حامی فقرا موجب شده است که درآمد افراد فقیر، و همچنین تقویت ظرفیت نهادی جامعه، حفاظت از محیط زیست، و ایجاد همکاریهای جدید تجاری و سیاسی با مشارکت مردم فقیر افزایش یابد. این ابتکارات شکل های مختلفی دارند، ولی همگی به خط مشی ها، مقررات و هماهنگی های دولتی وابسته می باشند. برای مثال، فراهم کردن زیر ساخت ها، قانونگذاری برای سیستم های اجاره ای ایمن، استفاده از برنامه ریزی های کنترلی برای تشویق متصدیان خصوصی برای اجرای تعهداتی به نفع افراد فقیر و به طور کلی تشویق شرکت های توریستی که سود بخش برای افراد فقیر باشند (یزدان پناه به نقل از : Barrett et al, 2001).

اهداف عمده این استراتژی را می توان اینگونه برشمرد (یزدان پناه، ۱۳۸۸) :

- ۱- ایجاد اشتغال غیر کشاورزی برای روستاییان بیکار یا نیمه بیکار در یک منطقه.
  - ۲- همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری .
  - ۳- استفاده کامل (بیشتر) از مهارت های موجود در یک ناحیه .
  - ۴- تقویت پایه های اقتصادی در مراکز روستایی .
  - ۵- تهیه نهاده های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی .
- راهکارهای موجود برای اصلاح نظام بهره برداری خرده دهقانی در مدل ۲ دیده می شود:





مدل (۲)، راهکارهای موجود برای اصلاح نظام بهره برداری دهقانی

## هدف سوم: مکانیزم به کارگیری آموزش به عنوان یک راهکار برای حل مشکل و چالش های نظام بهره برداری خرده دهقانی

صاحب نظران توسعه از دیرباز بر نقش آموزش در توسعه تاکید داشتند. این نظریه که سرمایه گذاری در سرمایه انسانی (آموزش) موجب افزایش رشد اقتصادی می شود، در واقع به زمان آدام اسمیت<sup>۲</sup> اقتصاد دانان کلاسیک باز می گردد که تاکید فراوانی بر اهمیت سرمایه گذاری در زمینه مهارت های انسانی داشت. در دهه ۱۹۶۰ شولتز<sup>۳</sup> و دنیسون<sup>۴</sup> نشان دادند که آموزش بطور مستقیم از طریق اصلاح و مهارت و ظرفیت های تولیدی نیروی کار، به رشد درآمد ملی کمک می کند. چنانچه سرمایه گذاری های آموزشی در مقایسه با دیگر انواع سرمایه گذاری ها رشد اقتصادی بالایی را به دنبال خواهد داشت. شولتز به این نتیجه رسید که بخش اعظم نرخ رشد تولید در آمریکا در اثر سرمایه گذاری در امر آموزش بوده است. به طور خلاصه آموزش از نظر اقتصادی چهار نقش افزایش بهره وری نیروی کار، کاهش ضایعات نیروی کار، امکان استفاده از تکنولوژی نوین در بخش کشاورزی و تنوع شغلی را بر عهده دارد. مضاف بر این مطالعات مختلف حاکی است بین آموزش و ارتقاء سطح فرهنگی اجتماعی جامعه و توسعه ارتباط مستقیم و قوی وجود دارد. آموزش رابطه مهمی با جنبه های دیگر توسعه منابع انسانی بخصوص بهداشت و زاد و ولد دارد. به طور مشخص آموزش در بعد فرهنگی، اجتماعی حداقل چند نقش کلیدی افزایش روحیه مشارکت پذیری ایفاء می کند.

کشاورزی به عنوان یکی از بخشهای اقتصادی اغلب کشورهای علی الخصوص کشورهای در حال توسعه، تحت تاثیر عمیق فرآیند های آموزشی قرار دارد. در این مورد آموزش های تخصصی و فنی و حرفه ای جایگاه ویژه ای دارند و در کنار آموزش های عمومی بسیار نقش آفرین اند.

لاکهید<sup>۵</sup> در سال ۱۹۸۷، حاصل ۱۸ مورد مطالعه و تحقیق مربوط به تاثیر سطح تحصیلات کشاورزان را در بالا رفتن بهره وری آن ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. این مطالعات که در کشورهای کم درآمد صورت گرفته بود، به منظور بررسی دو فرضیه بود. فرض اول این بود که بالا رفتن سطح تحصیلات موجب بالا رفتن کارایی کشاورزان می شود و فرض دوم این بود که تحصیلات، بازده بیشتری در یک جامعه متحول و متجدد در بر دارد تا در یک جامعه سنتی. لاکهید در تجزیه و تحلیل های خود به این نتیجه رسید که بهره وری کشاورزانی که چهار سال تحصیلات ابتدایی خود را تمام کرده اند، نسبت به کشاورزانی که هیچ نوع تحصیلات رسمی ندارند، بطور متوسط ۷/۴ درصد افزایش پیدا می کند. تجزیه و تحلیل های وی همچنین نشان می داد؛ برای این که تحصیلات تاثیر خود را به طور بارز تری نشان بدهند، حداقل تحصیلات باید ۴ تا ۶ سال باشد. نتایج بررسی وی همچنین حاکی از آن بود که تحصیلات، آثار خود را در یک محیط کشاورزی مدرنیزه نسبت به یک محیط کشاورزی سنتی، بارزتر نشان می دهند (محسن پور، ۱۳۷۶).

علاوه بر این امروزه نه تنها اثرات آموزش بر جنبه های شغلی و شاخه ای فعالیت بخش کشاورزی به اثبات رسیده است، بلکه تاثیر آن بر سایر شئون زندگی روستایی و کشاورزی، آگاهی اجتماعی، بهداشت روستایی، نگرش نسبت به پدیده ها و ایده های نوین و غیره نیز به منصفه ظهور رسیده و از این نقطه نظر آموزش های متعدد رسمی و غیر

<sup>۲</sup> - Adam smith

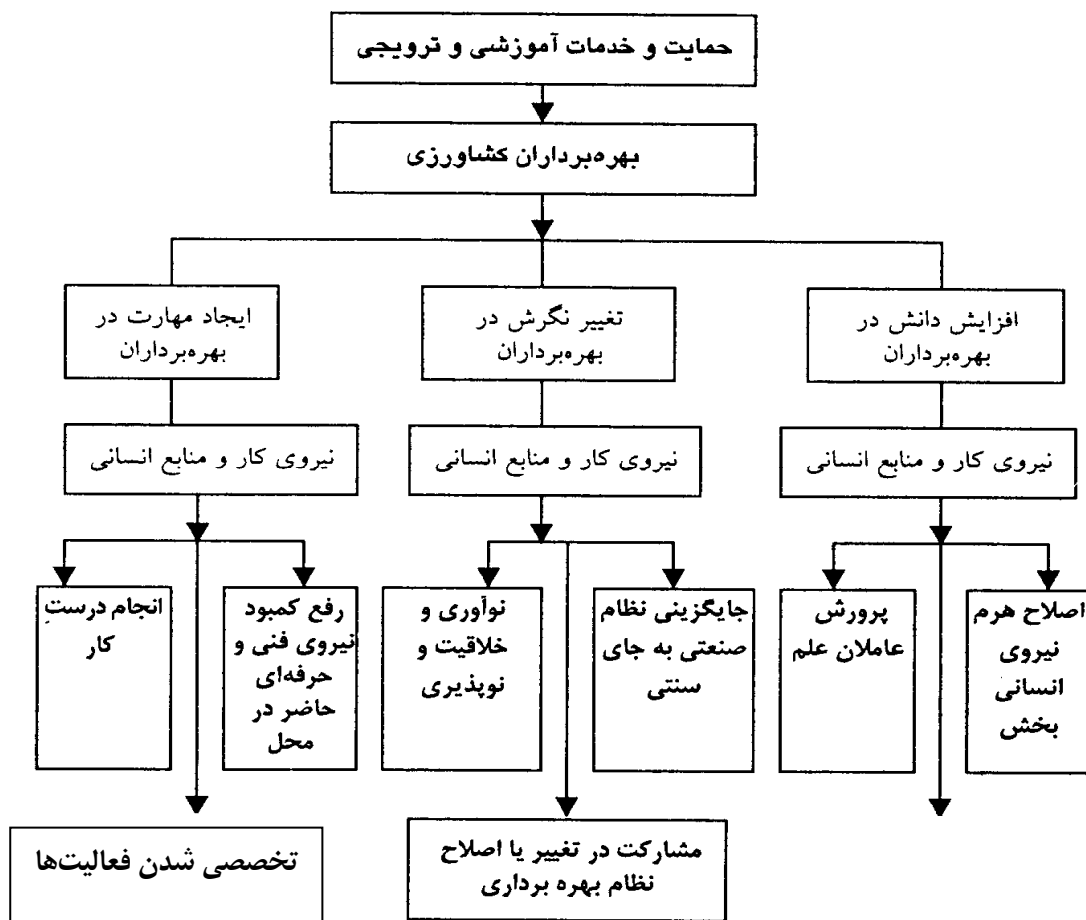
<sup>۳</sup> - T.W, Schultz

<sup>۴</sup> - E.F, Denison

<sup>۵</sup> - M.E. Lockheed

رسمی و دائمی و مقطعی را می توان با فرآیند و جریان توسعه روستایی و کشاورزی عجین دانسته و تاثیرات آن را در پیشبرد اهداف توسعه ای مناطق روستایی و کشاورزی مشاهده و لمس نمود.

محسن پور، آموزش را به روش های مختلفی تقسیم بندی می کند. تقسیم بندی آموزش با توجه به تعداد فراگیران، تقسیم بندی با توجه به تکنولوژی های استفاده در حین آموزش، تقسیم بندی با توجه به سن فراگیران، تقسیم بندی با توجه به میزان رسمیت آموزش از جمله روش های معمول در تقسیم بندی نظام آموزش است. با توجه به میزان رسمیت، آموزش را به چهار دسته آموزش رسمی (Formal Education)، آموزش غیر رسمی یا بی رسمیت (Non- Formal Education)، آموزش آزاد (In-Formal Education) و آموزش تصادفی (Incidental Education) تقسیم می کنند. اصول حاکم بر روابط افراد در نظام های بهره برداری از زمین در طول قرن های متمادی بر طبق عرف و سنت و شرع تعیین شده و مورد عمل بودند (لهسایی زاده، ۱۳۶۹). اهمیت و چگونگی تاثیر آموزش در نیروی کار بهره بردار در مدل (۳)، دیده می شود:



مدل (۳)، تاثیر آموزش در نظام بهره برداری خرد دهقانی

۱- در حوزه دانش، تناسبی بین نیروهای مداخله گر در تولید ( مثل کارگر ماهر، تکنسین و کارشناس) بوجود آید. معمولاً بهره برداران تنها عمل کنندگان بی اطلاع در رشته تولیدی خود هستند که دانش بومی آن ها کفایت نمی کند، لذا خدمات آموزشی- ترویجی آنها را عواملان عالیله پرورش می دهد و علاوه براین، با ورود مقوله دانش و تربیت نیروی انسانی، بهره بردار میتواند با توجه به ضرورت های علمی و صنعتی، کارها و فرآیند تولید را حرفه ای و به اصطلاح مدیریت تخصصی کند که این امر از نتایج آموزشی نوین می باشد.

۲- وقتی با آموزش ها بتوان ادراک و نگرش بهره برداران و کارکنان نظام های تولیدی را بالا برد و آنها را با واقعیت های جهان کنونی آشنا نمود، براحتی میتوان اندیشه های سنتی را جایگزین کرده و نو پذیری و تغییرات را ترویج نمود و با طرح های جدید همچون، «اصطلاح نظام بهره برداری»، مشارکت و موافقت بیشتری را بین بهره برداران به وجود آورد.

۳- مهارت آموزی نیروها، بهره برداری، مشارکت و موافقت از اولویت های نظام ترویجی است. با مهارت آموزی مشکل نبودن نیروهای متخصص و کارشناسان در مزرعه و ساعات شبانه روز مرتفع می شود. همچنین مهارت آموزی باعث میشود عملیات و هر فعل و حرکتی که به باید در مراحل تولید صورت پذیرد، بطور صحیح و دولت انجام شود.

علاوه براین آموزش های مهارتی موجب می شود که اشتغال در طول سال انجام گیرد و بهره برداران تنها متکی و محدود به فصل خاص و کشت خاص نباشد (میرزاخانی، ۱۳۸۲).

در یک جمع بندی میتوان گفت از طریق آموزش در نظام های بهره برداری می توان به سه هدف رسید، با دانش به «کشت مناسب» با تغییر نگرش به «نظام بهره برداری مناسب» و با ایجاد مهارت به «زمین بهتر» دست یافت نتیجه این امر، آن خواهد شد که بهره وری افزایش می یابد.

سازمان ترویج به عنوان فراهم کننده زمینه های تغییر، بهبود و اصلاح نظام های بهره برداری و زمینداری کشاورزی می تواند از طریق آموزش راهبرد یکپارچه سازی اراضی کشاورزی را ارتقا دهد. البته اجرای این طرح، امری نیست که با سادگی امکانپذیر باشد و چه بسا که در بعضی از روستاها به صورت امری غیرممکن جلوه می نماید. توجه به موانعی همچون، اختلاف کیفیت اراضی، وجود دره های روستایی، عدم تساوی قطعه های اراضی و حقایقها، دوری و نزدیکی اراضی سیلاب ها و امکان بازگشت نکردن قطعه های زمین به حالت گذشته، موجب می شود تا اجرای موفق طرح با مشکلاتی مواجه شود. با این حال مهمترین عامل و مانع، عدم آمادگی روحی و روانی کشاورزان و روستاییان است. بدیهی است که درک مزایای یکپارچه سازی اراضی و معطوف نمودن توجه آنان به معایب و پراکندگی اراضی از طریق فعالیت های آموزشی و ترویجی و نیز ارائه خدمات حمایتی لازم می تواند کشاورزان و روستاییان را به پذیرش برنامه ترغیب کند. لذا در این طرح ملی تشکیلات ترویج باید به نحو شایسته نقش زیربنایی خود را ایفا نماید. علاوه بر این در ادامه راه انتظار می رود که توسعه خدمات ترویجی بهتر با رهسپار کردن کارشناسان کشاورزی و سرکشی به مزارع و دهات برای راهنمایی دهقانان در امور کشاورزی و همچنین فراهم کردن سایر خدمات نظیر، ارائه وام ادامه یابد. البته نظریه دیگری هم معتقد است، کشاورزان خرده پا بنا به دلایل اقتصادی (نه علت فرهنگی) توان و جرات خطر پذیری اندک را دارند. لذا اگر نمونه اجرای آن را در کشاورزان دیگر (بویژه کشاورزان پیشرو و رهبران محلی) ببینند به پذیرش آن نرغب می شوند (همان).

برای دخالت ترویج در ایجاد تحول نظام های بهره برداری و زمینداری خرده دهقانی، باید بسترسازی مناسب صورت پذیرد. تشکیلات ترویج دولتی در این مرحله می تواند نقش مثبت و موثری داشته باشد.

در مدل (۴) مراحل آن از نظر میرزاخانی آمده است:

۱- ابتدا با توجه به تاثیر روانی و اجتماعی که امروزه رسانه‌ها در کنترل و شکل‌دهی رفتارهای فردی و جمعی دارند، سازمان ترویج باید با به کارگیری آن، موضوع و محتوای طرح را به اطلاع بهره‌وران برساند. تبلیغات باید در یک فرایند زمانی منطقی و با شیوه تکرار انجام شود.

۲- فرهنگ سازی، اگر چه این بخش از کار، زمان‌بر است، اما برای کوتاه کردن این زمان می‌توان با نمایش الگوهای انجام شده و بازگو کردن تجربیات سایر کشورهای بهره‌مند از طرح برای مردم استفاده نمود.

۳- پیش بینی تمامی مقرراتی که برای اجرای موفق لازم است باید به تصویب مراجع صلاحیت دار برسد. مطابق اطلاع یا پیشنهاد و پیگیری، معاونت ترویج وزارت جهاد کشاورزی چنین پیگیری‌هایی انجام شده و مجلس شورای اسلامی در مهرماه ۱۳۸۲ بخشی از نیاز را که همان قانون جلو گیری از خرد شدن زمین‌های کشاورزی می باشد، مصوب کرده است.

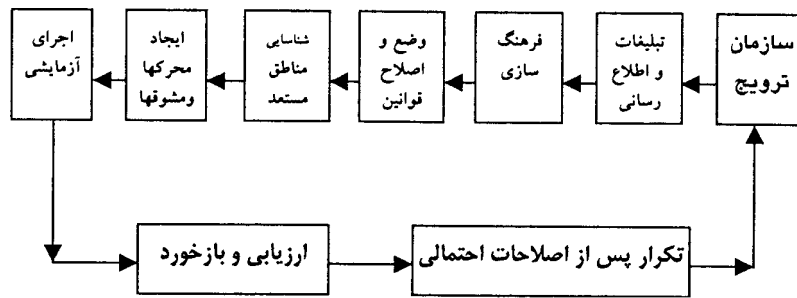
۴- اگر چه رهیافت‌های مختلفی برای نظام ترویج وجود دارد که هر کدام محاسن و معایبی دارد، لیکن به نظر می‌رسد در این قسمت، رهیافت استفاده از رهبران افکار مفید باشد. ما به یکباره قادر نخواهیم بود در سطح وسیع و به طور فراگیر طرح تحول نظام بهره برداری و زمینداری را که تجمیع زمین‌های قابل کشت یکی از آنهاست با موفقیت اجرا کنیم. لذا این رهیافت می‌گوید، ابتدا روی قشر خاصی از بهره‌وران که مشابهت‌ها و همگنی دارند، تمرکز شود. بنابراین شنا سایی مناطق مساعد و کشاورزان مستعد پذیرش (زود پذیران یا پذیرندگان) مرحله بعدی است که باید تعداد آماده پذیرش متناسب با توان مدیریت و پشتیبانی ترویج و دولت باشد.

۵- ایجاد محرک‌ها و مشوق‌ها که البته باید با مطالعه صورت پذیرد، می‌تواند در توفیق اجرای طرح موثر باشد. تعدادی از نمونه‌ها بدین شرح می‌باشند:

- خدمات آموزشی و مشاوره‌ای رایگان.
- یکپارچه سازی و اصلاح اراضی و ایگان یا مشارکتی.
- تخفیف نهاده‌های کشت.
- حمایت‌های جانبی مثل اولویت وام، بیمه محصولات و پرداخت خسارت.

۶- اجرای آزمایشی طرح، قبلا باید تمامی فعالیت‌ها و پیشنهاد تدارکات لازم و همچنین سازماندهی و آموزش کادرهای اجرایی بررسی و مدون شود. پیشنهاد این است که چون نقش رهبران محلی، کشاورزان کلیدی و پیشرو و نیز مروجان در اشاعه یکپارچه سازی اراضی موثر است، چنانچه این کشاورزان به عنوان یک "نوآور" و "نوپذیر" اجرای طرح را در اراضی خود قبول کنند، به طور حتم در تقویت اعتماد به نفس سایر کشاورزان کمک شایانی خواهند نمود.

۷- کنترل و نظارت مستمر در طول اجرا، ضامن موفقیت خواهد بود. ایجاد یک روش ارزیابی و بازخورد مناسب، نه به شکل سنتی آن، (که معمولا به صورت گزارش‌های مکتوب و تعریف شده است)، بلکه به گونه‌ای که مبتنی بر مشاهده و حضور در مزرعه و رخ به رخ با کشاورزان باشد، لازم و ضروری است. این ارزیابی و بازخورد باید در کمیته‌های مربوط به این کار انجام شود و سپس مسئله تجزیه و تحلیل شده و در صورت نیاز، اصلاحات لازم انجام گیرد و بعد از آن دستور تکرار آن صادر شود.



مدل (۴) مراحل حضور ترویج در نظام های بهره برداری (منبع: میرزاخانی، ۱۳۸۲)

### پیشنهادات:

- ۱- شکل گیری نظام های بهره برداری در طول تاریخ کشور ما، متناسب و متأثر از بافت های قومی و جمعیتی و طبیعی و اقلیمی بوده است و این واقعیت به ما می فهماند که چنانچه با توجه به وضعیت موجود لازم باشد که تغییرات، اصلاحات و یا جایگزینی برای نظام های موجود بهره برداری انتخاب شود باید ابتدا تدریجی باشد و سپس برای همه اقلیم ها و سرزمین ها و مناطق روستایی از یک الگو و یک نسخه مشترک استفاده نشود.
- ۲- تفاوت توسعه با توسعه پایدار، ایجاب می کند که مطالعه طرح های زمینداری حتماً علاوه بر قانون، پشتوانه مردمی و پذیرش عمومی داشته باشد، که این امر نیاز به آگاهی دادن از طریق آموزش بهره برداران دارد.
- ۳- از آنجایی که نظام بهره برداری، بار فرهنگی و اجتماعی دارد، به نظر می رسد تشکیلات ترویجی و آموزشی محق ترین سازمان است که می تواند در فرآیند تغییر و اصلاح نظام های بهره برداری شرکت داشته باشد.
- ۴- توجه بیشتر تشکیلات ترویجی و آموزشی به فراهم نمودن زیر ساخت های روانی و اجتماعی در بهره برداران برای ایجاد تفکر مدیریت زمین از طریق یکپارچه سازی اراضی، استفاده از مشاغل جانبی و ایجاد بهره برداران آموزش دیده و کارآمد.
- ۵- به منظور آگاهی از استفاده آموزش اثر بخش، گروهی به عنوان ارزیابی و نظارت پیش بینی شود.
- ۶- آموزشی که توسط تشکیلات ترویجی به کار برده میشود تا حد امکان متناسب با فرهنگ خرده دهقانی باشد.
- ۷- استفاده از رهبران محلی و معتمدان بهره برداران برای آموزشی اثربخش تر.
- ۸- آشنایی و کاربرد شیوه های نوین آموزش بزرگسالان توسط پرسنل ترویج.

### منابع و ماخذ :

- ۱- ابوالقاسمی، ر (۱۳۷۸). یکپارچه سازی زمین های کشاورزی. معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی. دفتر مطالعات و برنامه ریزی.
- ۲- ازکیا، م و همکاران (۱۳۵۵). نظام های بهره برداری از زمین. تهران. انتشارات برنامه و بودجه.
- ۳- ازکیا، م (۱۳۸۲). تحلیل مبانی و نظریه های نظام های بهره برداری و روند تحول آن با تاکید بر جامعه روستایی. مجموعه مقالات اولین همایش نظام های بهره برداری کشاورزی در ایران. انتشارات وزارت جهاد کشاورزی.

- ۴- ازکیا، م (۱۳۸۳). جامعه شناسی توسعه. تهران. انتشارات کیهان. چاپ پنجم.
- ۵- ازکیا، م (۱۳۸۵). جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی در ایران. تهران. انتشارات اطلاعات. چاپ پنجم.
- ۶- اشرف، ا (۱۳۶۱). دهقانان، زمین و انقلاب. تهران. انتشارات آگاه.
- ۷- اشرفی، م، مهربانیان، ا، پورکاظمی، ا (۱۳۸۶). بررسی نظام‌های بهره‌برداری خرده دهقانی در کشاورزی ایران: تنگناها، سیاست‌ها و راهکارهای حمایتی. هفتمین کنفرانس دوسالانه انجمن اقتصاد کشاورزی ایران.
- ۸- افسر پناه، م ا (۱۳۷۸). بررسی و مقایسه بهره‌وری نظام‌های بهره‌برداری در اراضی موقوفه کشاورزی آستان قدس رضوی. پایان نامه کارشناسی ارشد. مرکز آموزش مدیریت دولتی خراسان.
- ۹- ایروانی، ه (۱۳۷۱). تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران. مشهد. نشر مشهد.
- ۱۰- ثمری، د، ازکیا، م (۱۳۷۹). روند تحولات جامعه روستایی ایران بعد از انقلاب اسلامی. ماهنامه جهاد. شماره ۲۳۳ و ۲۳۲.
- ۱۱- جوادیان، ا، فرزانه، د (۱۳۸۲). بیمه محصولات کشاورزی و نظام‌های بهره‌برداری موجود در کشور. مجموعه مقالات اولین کنگره ملی بررسی مسائل توسعه کشاورزی ایران. انتشارات سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی.
- ۱۲- حقوقی، م (۱۳۸۲). بررسی و نقادی دولت در توسعه و صیانت از نظام بهره‌برداری. مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری در ایران. انتشارات وزارت جهاد کشاورزی.
- ۱۳- حیدرپور، ز (۱۳۸۵). یکپارچه سازی و کاهش پراکندگی اراضی، اولویت توسعه روستایی. مجله جهاد. سال ۲۶. شماره ۲۷۵.
- ۱۴- خسروی، خ (۱۳۷۴). جامعه شناسی ده در ایران. تهران. مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۵- خسروی، خ (۱۳۵۸). مساله دهقانی و مساله اراضی در ایران. تهران. انتشارات پیوند.
- ۱۶- دانشور کاخکی، م، کرباسی، ع، افسر پناه، ا (۱۳۷۹). بررسی وضعیت نظام‌های بهره‌برداری در زمین‌های کشاورزی آستان قدس رضوی. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال هشتم. شماره ۲۹.
- ۱۷- سینگ، ج، دیلون، اس (۱۳۷۴). جغرافیای کشاورزی. ترجمه: سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی، علی کلاهدکی. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۸- شریف پور، د (۱۳۷۲). جایگاه واحدهای دهقانی در نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران. شیراز. وزارت کشاورزی. معاونت امور نظام بهره‌برداری.
- ۱۹- ظفر نژاده، ف (۱۳۶۷). نظام‌های بهره‌برداری موجود در ایران- الگوی بهره‌برداری مناسب در طرح‌های توسعه کشاورزی. مجموعه مقالات اولین کنگره ملی بررسی مسائل توسعه کشاورزی ایران. انتشارات سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی.
- ۲۰- عبداللهی، م (۱۳۷۷). نظام‌های بهره‌برداری. انتشارات وزارت کشاورزی. چاپ اول.
- ۲۱- عزیزی خالخیلی، ط و زمانی، غ (۱۳۸۸). نقش رهبران محلی بر مشارکت کشاورزان در فعالیت‌های آموزشی و ترویجی. اولین همایش ملی دانشجویی ترویج و آموزش کشاورزی. شیراز.
- ۲۲- علی بیگی، ا، پاپ زن، ع، وهاب پور، ل (۱۳۸۷). پیامدهای یکپارچه سازی اراضی از دیدگاه کشاورزان: مطالعه موردی روستاهای شهرستان صحنه. مجله فن آوری های نوین کشاورزی. سال دوم. شماره ۲.

۲۳- فولادی، م (۱۳۷۱). یکپارچگی اراضی طرح توسعه کشاورزی حوزه آبریز هراز. انتشارات وزارت کشاورزی.  
۲۴- قاسمیان، م (۱۳۸۲). اثرات یکپارچه سازی اراضی زیر کشت سالانه آبی استان تهران بر توسعه کشاورزی.  
پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

۲۵- قریب، ی (۱۳۸۱). ترویج و نظام بهره‌برداری. ماهنامه جهاد. شماره ۲۴۸، ۲۴۹.

۲۶- فولادی، م (۱۳۷۱). یکپارچگی اراضی طرح توسعه کشاورزی حوزه آبریز هراز. انتشارات وزارت کشاورزی.

۲۷- کلانتری، خ، حسینی، م، عبدالله زاده، غ (۱۳۸۴). ساماندهی و یکپارچه سازی اراضی کشاورزی با استفاده از تجارب کشورهای اروپای شرقی. مجله روستا و توسعه. سال ۸. شماره ۳.

۲۸- لمتون، ا.ک.س (۱۳۷۷). مالک و زارع در ایران. ترجمه: منوچهر امیری. انتشارات علمی فرهنگی. تهران.

۲۹- لهستانی زاده، ع (۱۳۶۹). تحولات اجتماعی در روستاهای ایران. شیراز. نشر نوید.

۳۰- محسن پور، ب (۱۳۷۶). برنامه ریزی آموزشی. انتشارات مدرسه. تهران.

۳۱- میرزا خانی، ا (۱۳۸۲). نحوه و تاثیر حمایت‌های آموزشی و ترویجی بر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی. مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری در ایران. انتشارات وزارت جهاد کشاورزی.

۳۲- وثوقی، م، فرجی، ا (۱۳۸۵). پژوهشی جامعه شناختی در زمینه عوامل موثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه سازی اراضی مزروعی (مطالعه موردی روستاهای زرین دشت). مجله جامعه شناختی ایران. دوره هفتم. شماره ۲.

۳۳- یزدان پناه، م و حیاتی، د و رضایی مقدم، ک و حیدریه، ض (۱۳۸۸). نقش فعالیت‌های غیر زراعی در توسعه پایدار روستایی و کشاورزی تعاریف، مفاهیم و سیاست‌های اجرایی. اولین همایش ملی دانشجویی ترویج و آموزش کشاورزی. شیراز.

34 -Farvar, Taghi and Wasif Ahmad(1986)Peasants in Iran: Will They Survive?. in R.P.

35 -Hoogtund. Eric J.(1982) Land and Revolution in Iran. 1960-1980. Austin: University of Texas Press.

36 -King, R; Burton, S. (1982), "Land fragmentation: notes on a fundamental rural spatial problem". Progress in Human Geography. Vol. 6, No.4, pp. 475-494.

37-Nirola,G.thapa,G(2005).Ipmpact and Causes of Land Consolidation in south Asia.[http://www.Elsevier.com/ locate/Land useepol](http://www.Elsevier.com/locate/Land useepol).

38 -Oldenburg.Philip(1990). Land Consolidation as Land reform, in India, Word Development. Vol:18.No:2

39-Sabates and Wheeler, R. (2002), "Consolidation initiatives after land reform: Response onset to multiple dimensions of land fragmentation in eastern European agriculture". Journal of International Development. Vol. 14, pp. 1005-1018.

40-Schultz,T,W (1962).Investment in Human Capital in Poor Countries

41-Word bank (2007). Rural Non-farm Economy.  
Retrieved from:[ttp://go.Wordbank.org/19N177](http://go.Wordbank.org/19N177)



42 -Yeganeh, Cyrus(1985) The Agrarian Structure of Iran: From Land Reform to Revolution. State, Culture and Society. Vol. I, 1985. pp. 67-84.

# **Strategic Training on Land Management within the Small-Scale Peasant System (SSPS)**

## **Abstract**

Farming System in agriculture is regarded as one of the most important affairs in the sector, mainly for its social and economic impacts and reality. Currently, there are different FSs, whose critical part is attributed to Small-Scale Peasant System. However, this system, though very prevalent, but suffers enormous bottlenecks and disparities. The main methodology of this research is focusing on diagnosis of problems and challenges geared to SSPS. The study uses documentary method through library review. Results indicated that there are 3 strategies i.e. rural empowerment via field-specific training, agricultural land consolidation, and development of non-agricultural businesses for resolution of the problems and challenges on the way of SSPS. Other findings illustrated three domains namely knowledge, attitude, and skill shall be deeply taken into consideration for effective training. The study comes with certain recommendations for due improvement in this concern.

**Keywords:** Farming System, Effective Training, Land Management, Small-Scale Peasant System